

اکبر فلاح: باخت حسن یزدانی را گردن نگرفتند

از کسی که به مردم دروغ می‌گوید بدم می‌آید

یکی از چهره‌های ماندگار کشتی ایران اکبر فلاح است. بچه دوست داشتی جنوب شهر که طلای جهانی ۱۹۹۳ او بسیاری را به کشتی علاقه‌مند کرد او مرد خاص کشتی ایران است. اخلاق و مرامی خاص که به هیچ کس باج نمی‌دهد و از مرامی که دارد، عقب نمی‌نشیند. حتی اگر سال‌ها دور از تیم ملی باشد. سال ۲۰۰۵ تقریباً آخرین دوره مربیگری او در تیم ملی جوانان بود. نزدیک بیست سال شده که از سرمربیگری تیم ملی دوره بوده و در تمام این سال‌ها هر رئیسی که آمده او را شایسته سرمربیگری تیم ملی دانسته اما او چون پای اصولش ایستاده، دور از تیم ملی و در باشگاهی تمرین می‌دهد. حالا بعد از مدت‌ها یک گفت‌وگو مضمحل دارد و از وضعیت موجود کشتی می‌گوید.

مرتضی رضایی

خبرنگار

سال‌ها قبل شما احوالاتی با منصور بزرگ داشتید که المپیاد را درباره آن حرف‌ها زدید. می‌خواهیم گفت‌وگو را از اینجا آغاز کنیم.

زاویه‌ای که با هم داشتیم این بود که خب من کشتی‌گیر بودم، ایشان مربی بود و اختلاف‌نظر داشتیم و تا چندین سال این وجود داشت ولی وقتی من خودم مربی شدم و سن و سالم رفت بالا، کم‌کم دیدم باید اینها را کنار بگذاریم. هر اتفاقی که افتاده را پاک کنیم و دوستی جدیدی داشته باشیم. از کسی پنهان نیست که چقدر منصورخان برای کشتی زحمت کشیده و باید قدردان او باشیم.

این اختلاف‌نظری که در دوره قهرمانی وجود داشت طبیعتاً به دوره‌های بومی‌گرد که شما کشتی‌گیر بودید و منصورخان سرمربی شما، می‌خواهم بدانم این اختلاف سر انتخابی بود یا مسائل دیگر؟

ببینید یک چیزهایی هست که وقتی بخواهم دوباره از گذشته صحبت کنم زخم‌ها تازه می‌شود و شاید منصورخان و من در فکرمان همان باشد و دوباره برگردیم به نقطه اول. الان من بگویم برای چه بوده و دوباره ایشان جواب بدهد چه اتفاقی می‌افتد؟ ولی ما این را پاک کردیم. و نمی‌خواهیم کسی قضاوت‌مان کند و بگوید چه کسی مقصر بوده؟ چون بین خودمان دنبال مقصر نمی‌گردیم. اگر مقصر را پیدا کنیم باید محاکمه کنیم و با هم بجنگیم. ما نمی‌خواهیم بجنگیم. چند سال است که رفاقت داریم.

یک بار قبل از المپیک با غلام محمدی صحبت کردیم. غلام محمدی می‌گفت من سال ۲۰۰۰ می‌توانستم به المپیک بروم و پنهان طیبی را جای او بردند. سر این ناراحت بود که به نظرش حق او ضایع شده بود. آیا مشکل شما هم چنین بحثی بود؟

ماه دیگر من برای منصورخان یک جام برگزار می‌کنم که تا زنده است جام خودش را ببیند. ما عادت داریم کسی می‌میرد این کارها را کنیم ولی خودش نیست و تأثیری روی او ندارد. همه قهرمانان وظیفه دارند به منصورخان احترام بگذارند چون مدیون او هستند. گذشته‌ها گذشته است. من دو مدال گرفتم که با مربیگری ایشان بوده و همیشه می‌گویم شما آن سال مربی من بودی و بابت این از شما ممنونم. یک بچه قدر پدیرش را کمتر می‌داند ولی وقتی خودش بچه‌دار شود می‌فهمد. من وقتی مربی شدم فهمیدم باید احترام مربی را داشته باشم و سن که بالا می‌رود آدم باید گذشتش را بیشتر کند.

کلاً چرا این داستان در کشتی زیاد شده که خیلی از قهرمانان ما مقابل سرمربی خود موضع می‌گیرند؟ مثلاً دبیر، محمدی و خود شما نسبت به منصورخان موضع داشتید. بهروز یاری یک جور دیگر موضع دارد. حتی رسول خادم که خیلی سعی کرده ارتباط نزدیکی داشته باشد ولی او هم می‌دکد دیگر اختلاف دارد. این را در کشتی خیلی داریم. در کشتی فرهنگی هم امید نوری‌زی با محمد بنا طلا گرفت ولی علیه او حرف زد یا قاسم رضایی و خیلی‌های دیگر. چرا؟

مربی نمی‌تواند همه را راضی نگه دارد و شاید در بین آن ۱۰ نفر مثلاً دو نفر هم راضی نبودند و کینه گرفتند که مربی ما را اذیت کرده است. از وقتی کشتی و انتخابی شروع شد هیچ‌وقت بدون ایراد نبوده و ۷۰ سال این داستان بوده است. درباره فرهنگی هم همین است و اینطور نبوده که همه محمد بنا را دوست داشته باشند. اگر هم

برود المپیک. انتخابی این دو به نفع ماست؟

دیدگاه مربی اینجا خودش را نشان می‌دهد که در یک وزن وقتی دو نفر قهرمان دنیا می‌شوند، سریع برنامه‌ریزی می‌کند. مثلاً یکی را یک وزن بالاتر می‌برد یا مسابقه را تقسیم می‌کند. مثلاً اگر هر دورا داشتیم مثلاً می‌شد یزدانی به المپیک برود و کامران در مسابقات جهانی کشتی بگیرد. از هر دو استفاده کند که مدالشان را بگیرند.

الان هر دو می‌خواهند به المپیک بروند.

هیچ ایرادی ندارد و در این وزن ما یک مدال صددرصد داریم. چه ایرادی دارد؟ آنها در یک وزن هستند و انتخابی بگیرند و نفر برتر بروند. در روسیه هم همینطوری است. در روسیه با یکدیگر رقابت سنگین می‌کنند. که از دل آن یکی مثل سعدالهیف نفر اول می‌آید و بعد در مسابقه دیگر نفر دوم را می‌بینی که چقدر قوی است. ما هم باید همین‌طور باشیم. باید خوشحال باشیم که نفر دوم به جهانی برود، می‌تواند مدال بیاورد.

به نظر شما عادلانه است که مثلاً حسن یزدانی با ۸ مدال با قهرمان کشوری مسابقه انتخابی بدهد؟

کسی که با حسن یزدانی کشتی می‌گیرد، هفت خان رارد کرده و به او رسیده است. مثلاً یک کشتی‌گیر اول در باشگاه خودش کشتی می‌گیرد، بعد می‌رود ناحیه، بعد تهران، جام تختی و... البته این حق حسن یزدانی هم هست که به‌عنوان یک قهرمان در مراحل بالاتر باشد. این طور نیست که آن قهرمان کشوری حریف دست و پا بسته‌ای باشد چون همان طور که گفتم هفت خان رارد کرده است. خب مثلاً یک نفر در کشوری طلا می‌گیرد، بعد به قهرمانی آسیا می‌رود و اول می‌شود، به جام تختی می‌آید و با کسی که مدال جهانی گرفته مسابقه می‌دهد. خب این یک نفر است. نفرات اول تا سوم مسابقات کشوری، آسیایی، تختی و... را ببرند. آنها سهمیه را بگیرند و بعد به انتخابی بروند. کمیته فنی در نهایت ۱۶-۱۵ کشتی‌گیر جوان و آماده را گلچین می‌کند و به انتخابی می‌برد. این به نظر من بهترین مدل برای انتخابی است. نباید مثلاً در وزن ۵۷ کسی را کنار بگذارند چون این حرکت آن وزن را نابود می‌کند.

الان که گفتید وزن ۵۷ یاد یک موضوعی افتادم. بدون شک احمد محمدنژاد را می‌شناسید. کشتی‌گیر رده‌های سنی مختلف بوده و فکر کنم سه بار یا بیشتر وزن کم کرد. یک بار در نتکار و وزن کم کرد، کمتر از یک ماه بعد به مراکش رفت که چون امتیاز رنکینگ داشت سر وزن برگزار می‌شد و بعد هم یک بار دیگر در جوانان رفت که نتیجه نگرفت. الان هم دوباره می‌خواهند برای امیدها او را ببرند.

این به انتخابی ربطی ندارد. به مهندسی سرمربی و فدراسیون ربط دارد.

۲ تا را برای انتخابی رفته بود.

به نظرم باید یک رده را انتخاب کنند. ما باید آنقدر کشتی‌گیر داشته باشیم که جوانان و امید و بزرگسالان یک نفر بروند. نه اینکه الان جوانان برای امیدها هم کشتی می‌گیرند. یا بزرگسالان آقای نخودی برای امیدها کشتی بگیرند. این فقط برای نتیجه است. این یعنی مدیر تیم‌های ملی آدم نتیجه‌گراست و می‌خواهد یادگاری از خودش بگذارد که من بهترین هستم. همه را طلا گرفتیم. رحمان می‌کند ولی باید برای امیدها انتخابی می‌گذاشتند و ارزش قائل بودند. یک نفر می‌شود سرمربی جوانان و بعد در همه زمینه‌ها مثل امید و دانشجویان و... می‌رود و مهره‌سوزی می‌شود. ما می‌توانستیم ۵-۶ مربی که با امثال حسن یزدانی، قاسمپور، عموزاد و... کار

کسی حرف زده چون جرأت نداشته و به او احتیاج داشته است. دوران ما هم اختلاف‌نظر بوده ولی خب جرأت نبوده که حرف بزنند چون آنها را کنار می‌گذاشتند. اگر با مربی لج کنی این توانایی را دارد که تو را اذیت کند. این اشتباه است. الان حسن یزدانی بدون حاشیه کار می‌کند و اصلاً با مربی و رئیس فدراسیون کاری ندارد. او که آنقدر قوی شده حتماً جرأت هم دارد ولی بدون حاشیه است. ما بی‌خودی خودمان را به حاشیه بردیم. همدوره‌های من هر کدام می‌توانستند کلی مدال بگیرند ولی ما به حاشیه رفتیم و مدال‌های‌مان کم شد. مدیر خوب و بزرگتر نبود که حواشی را کم کند و مدال‌ها بیشتر شود. اما الان به این شکل است که حسن یزدانی حاشیه‌ها را کم کرده و ۸ مدال دارد و می‌تواند بالای ۱۰ تا مدال بیاورد.

انگار همه نسخه‌ها به نوعی از انتخابی شروع می‌شوند!

اصل قانون است. قانونی که رئیس فدراسیون و ورزش و سرمربی می‌گذارد و اگر این قانون درست باشد، همه به آن احترام می‌گذارند.

به نظر شما کدام دوره قانون نامشخص؟

همه دوره‌ها قانون ایرادهایی داشته ولی من قانون قدیم را بیشتر دوست داشتم که می‌گفتند انتخابی در همه وزن‌ها باشد و دو روز هم هرکسی شرکت می‌کرد. مثلاً خودم یادم هست در انتخابی ۵-۶ کشتی‌گرفتم ولی الان می‌بینم یک نفر یک کشتی گرفته است. همین می‌شود که تماشاگر با بقیه به سالن می‌آیند و سالن را به هم می‌ریزند چون با یک کشتی راضی نمی‌شوند. اینها باید ۵ کشتی ببینند و دوروز به سالن بیایند کشتی حسن یزدانی، کامران قاسمپور و بقیه قهرمانان را ۵ بار ببینند. آن موقع آرامش می‌گیرند. ما باید یک انتخابی قانون‌مند بگذاریم.

الان به نظر شما انتخابی فدراسیون کشتی با علیرضا دبیر قانون‌مند است؟

نه انتخاب مربی‌شان قانون‌مند است، نه سرمربی. همه تصمیمات سلیقه‌ای است. اگر قانون‌مند بود کشتی‌گیرانی که رفتند به مسابقات جهانی مربیان‌شان کجا بودند؟ چرا از آنها استفاده نمی‌شود؟ پس اینها را چه کسی می‌بیند؟ انتخابی آزاد و فرنگی کلاً دو ساعت شده است. این چه قانونی است؟ ساعت ۱۰ شروع کردند و ۱۲ تمام شد. چه کسی گفته این قانون‌مند است؟ اگر یک قهرمان بیاید و مثلاً در ورزش ۱۶ نفر باشد، خب آن نفر شانزدهم با آن قهرمان کشتی بگیرد، ممکن است با ۱۰ تا اختلاف ببازد ولی سال بعد اختلافش را کم می‌کند. این طوری پشتوانه‌سازی می‌کنیم. یکی مثل قاسمپور وقتی ۵ کشتی بگیرد، یعنی ۵ نفر را پشتوانه‌سازی کرده است. حالا از وزن ۵۷ به بعد هر کدام بیایند روی تشک می‌دائید چقدر پشتوانه‌سازی می‌شود؟ تا اینکه یک کشتی باشد و تازه نفر دوم هم قهر کند و از اردو برود؟ به این شکل همه از بین می‌روند. قدیم قانونش عالی بود. همه می‌آمدند و تاریخ داشت و مثلاً همه در جام تختی حضور داشتند. الان جام تختی نمی‌آیند. به جام تختی احترام نمی‌گذاریم. کشتی‌گیر خودمان را کنار می‌گذاریم و توقع داریم میهمان از خارج بیاید.

می‌شود از یک زاویه دیگر هم به آن نگاه کرد. مثلاً حسن یزدانی آمد و در ۸۶ کیلوگرم کشتی گرفت و چند بار هم با کامران قاسمپور کشتی گرفت. خیلی‌ها می‌گویند اگر قاسمپور می‌رفت، دیوید تیپور را می‌برد ولی می‌آمد انتخابی به حسن یزدانی می‌باخت و پشت سر حسن می‌ماند. الان کامران در ۹۲ قهرمان جهان شده و مدعی ۸۶ کیلوگرم شده که می‌خواهد

همه قهرمان‌ها باید به منصورخان احترام بگذارند چون مدیون او هستند

اگر کسی به بنا حرفی زده جرأت نداشته

بی‌خودی خودمان را به حاشیه بردیم

خیلی وقت است به جام تختی احترام نمی‌گذاریم

می‌گویند شما کشتی‌گیر بسازید، دوستان استفاده کنند

به اندازه خودم دارم دین‌ام را به کشتی ادا می‌کنم



کردند را بیاوریم. چقدر مربیان بال‌بال می‌زنند که میدان ببینند و تجربه کسب کنند و پخته شوند تا در استان خودشان کار کنند. این برای خودشان خوب است.

الان یک سری قهرمان مثل حسن رحیمی، کمیل قاسمی، احسان لشگری، رضا یزدانی و صادق گودرزی داریم که همه پشت خط مانده‌اند. تیم ملی آمریکا را دیدم که جیمز گرین را گذاشته بودند و کنار او ۱۰ مربی دیگر داشتند. یعنی برای هر وزن تقریباً یک مربی بود.

چه ایرادی داشت که در این مسابقات مثلاً آقای رحیمی فعلاً کمک باشد. گودرزی در جوانان، رضا یزدانی در آمیدها و... چون همه اینها شم مربیگری دارند و باید اینها را مدیریت کنند ولی یکی مثل مدیر تیم‌های ملی همه را طوری می‌زند که آخر به خودش برسد. خب ما کسی را نمی‌ساختیم. این فدراسیون هم باید مربی بسازد. کشتی‌گیرانی که قهرمان جهان و المپیک بودند وقتی کنار رفتند باید به مربیگری بیایند و به آنها آموزش بدهند. همه را طرد کردند که یک نفر بماند و همه مسافرت‌ها را خودش برود و همه چیز به نامش باشد. ما در این چند سال مدیر تیم ملی زیاد داشتیم که حق بقیه را ضایع کرده است. خودش می‌خواهد در همه مسافرت‌ها باشد ولی به نظرم مدیر تیم‌های ملی هماهنگ‌کننده است. باید مربیان را انتخاب کند نه اینکه خودش همه جا سرمربی باشد و دخالت کند. به این فدراسیون توصیه می‌کنم به داد این بنده خدا برسند که دارد ریشه کشتی را از بین می‌برد. فقط این آقا می‌تواند مثلاً کشتی امیدها را قهرمان کند؟ رضا یزدانی نمی‌تواند؟ خیلی از قهرمان‌های ما هستند که هم سوادش را دارند و هم توانایی‌اش را اما از آنها استفاده نمی‌شود.

ظاهراً از این فدراسیون هم خیلی راضی نیستید.

شما فکر کنید من اصلاً با فدراسیون قبلی هم خوب نبودم! حرف من این است که رئیس فدراسیون، وزیر ورزش یا هر کسی که در این ورزش است، باید سمت کشتی و مردم باشد. کسی که سمت کشتی و مردم نباشد را من دوست ندارم.

از نظر فنی این فدراسیون را قبول دارید؟

انتخابی‌اش که ایراد داشت. چرخه خوبی درست نکردند.

از نظر نتیجه‌چطور؟

نتیجه‌گیری عالی بود ولی اگر بخواهیم ریز شویم خب روسیه نبوده، کشتی دنیا ضعیف شده است. قدیم این شکلی نبود و نمی‌دانستی چه کسی قهرمان می‌شود. روسیه هم نیست و کشورهایی مثل بلغارستان و کوبا، کره شمالی و ترکیه دیگر از بین رفته‌اند. کشورهایی که حریف ما بودند و بعضاً ما را می‌بردند. الان کره شمالی کجاست که همه را در سبک وزن می‌برد؟ وقتی روسیه نیست ما باید اول شویم. اگر ریز بگوییم خوب کار نکردیم ولی اگر کلی در نظر بگیریم که قدیم هم دوم می‌شدیم، بله خوب بود.

نسبت به دهه ۹۰ چطور؟

در آن دوره که تیم دست آقای بزرگ بود، روسیه در هر وزن کلی قهرمان داشت، آمریکا هم همینطور. کوبا و بقیه هم ما را می‌بردند. اگر دوم می‌شد، شاهکار کرده بود و ارزش داشت. از اول هم معلوم بود ما و آمریکا اول و دوم می‌شویم.

این را یک طور دیگر هم می‌شود نگاه کرد. ما دو مدال طلا گرفتیم. رحمان عموزاد و کامران قاسمپور که یعنی از ۶ وزن المپیکی یک طلا داشتیم و پنج نای دیگر هم در خطر است و بعید است طلا بگیریم. در ۸۶ تا خب حسن یزدانی احتمالاً با تیپور کشتی بگیرد. در ۱۲۰ تا امیرحسین زارع حالا احتمال طلا دارد.